

**صبر**، **توانایی بر انجام کارها و مقاومت در برابر فشارها**، هر چند که ریشه در اراده و عزم قسوی دارد، ولی جز به توفیق الهی نمی‌توان امید داشت که در همه امور زندگی بتوان موفق بود زیرا گاه تکلیبات یا فشارها چنان سنگین و سهمگین است که می‌توان گفت تاب‌آوری و شکیبایی و بردباری دور از دسترس است؛ چرا که گاه نسبت به موضوع، خبر یا علم تفصیلی نادریم و تنها اجمالی از آن را می‌دانیم؛ بنابراین، نمی‌توان جز به عنایت الهی و به توفیقش صبر کرد. خدا در قرآن به پیامبر مکرم **اسلام**(ص) می‌فرماید: **«و اصبر و ما صیرک الا باله، و تو**

**(ای رسول) صبر و تحمل پیشه کن که صبر تو تنها به توفیق خداست.»****(نمل، آیه ۱۲۷)**
بنابراین هر کسمی‌خواهد صبر کند، باید پیامبر خدا(ص) را به عنوان **«اسوه حسنه»** مدنظر قرار دهد و **بسه** توفیق الهی صبر پیامبری پیشه کند؛ زیرا انسان مسلمان به یک معنا در همان شرایطی قرار می‌گیرد که پیامبر(ص) در آن شرایط قرار گرفته است؛ زیرا شهادتین، درهای ابتلاات و قرارگیری در خلق‌های گوناگون الهی و ادیت و آزارهای فتنه‌راه‌بری مسلمان می‌گشاید تا به کمالی رسد که او را شایسته خلافت الهی می‌سازد و رضایت و رضوان الهی را برایش رقم می‌زند. بسا گناهیی بسه زندگی و سسیره پیامبر(صلی‌الله علیه و آله) در می‌یابیم که آن حضرت به توفیق الهی، صبوری کرد و فلاح و رستگاری و رضوان و بهشت الهی در کنار خلافت الهی به دست آورد. از آن‌جا که آن حضرت اسوه حسنه و همه مسلمانان و مؤمنان معتقد به آخرت و امیدوار به بهشت است، لازم است تا چگونگی صبر پیامبر(ص) بر اساس آموزه‌های قرآنی شناخته شود تا امکان سرمشق‌گیری بر او فراهم آید. مطلب حاضر اشارهای گذرناست به این واقعیت.

\*\*\*

**سه‌گانه‌های صبر**

صبر حالت نفسانی و باطنی و از فضایل اخلاقی است. کسی که صبر دارد، در انجام کارها چنان با ثبات و عزم عمل می‌کند که هیچ چیزی مانع رسیدن او به هدف و مقصودش نمی‌شود. بنابراین صابر از آستانه تحمل بالایی برخوردار است و فشارهای سنگین و سهمگین بیرونی هرگز عزم جدی درونی او را در رسیدن به مقصود باز نمی‌دارد، بلکه به توفیق الهی تارسین به مقصود در مقصد تلاش و سعی می‌کند و او ناامی نمی‌شیند.

**صبر بر طاعت**

انسان در زندگی با سه امر مواجه است که باید در آنها صبر پیشه کند؛ نخست در برابر انجام تکلیف است؛ زیرا هر انسانی در زندگی مسئولیت‌هایی دارد که بر اساس نقش فردی یا اجتماعی در قبایل خدا، خود و خلق تعریف شده است. انسان در برابر خدا به عنوان خالق تکلیف دارد که عقل فطری و نقل و حرمانی آن را کشف می‌کند؛ یعنی در قبال خدا مسئولیت‌هایی دارد که از آن به شریعت یاد می‌شود. این تکلیف شامل انجام کارها و ترک کارهایی دیگر است. همچنین در قبال دیگران مسئولیت‌هایی دارد که از آن به مسئولیت اجتماعی یاد می‌شود. بنابراین، نوع اول صبر، همان صبر در تکلیف یا اطاعت است که بارها در قرآن به این‌اشاره شده است.

**یکی از آموزه‌های قرآنی، توجه بخشی به علم الهی است و این معنا به‌اشکال مختلف در آیات قرآن تکرار شده است.**

پرسش این است که چرا قرآن تا این اندازه به علم الهی نسبت به همه چیز همانند قدرت خدا بر هر کاری

تاکید می‌کند؟

**شناختن و باور به علم الهی در زندگی بشر چه نقشی دارد و چه آثار و کارکردهایی بر این شناخت و باور مترب می‌شود؟**

**نویسنده با مراجعه به آموزه‌های قرآن درصدد است تا به این پرسش‌ها پاسخ مناسب دهد و تحلیل قرآن را از این تاکید و اهتمام بیان کند.**

## زمانی انسان به بخل دچار می‌شود که از آینده خودش هراسان باشد و از تأمین آسایش و آرامش خود احساس نگرانی و ترس کند. اما اگر انسان به این آگاه باشد که همه چیز را خداوند می‌داند و مدیریت می‌کند و چیزی بیرون از مشیت و اراده او نیست و اگر گشایش و تنگنایی در زندگی است در چارچوب علم و مشیت او قرار دارد، او بخل دست برمی‌دارد و اهل احسان و انفاق می‌شود.

**علم شهودی الهی به کلیات و جزئیات**

شاید یکی از کلیهٔروضاهای مهم و اساسی در آموزه‌های قرآنی که بارها تکرار شده، واژه علم و دیگر واژه‌گانی است که در این معنا و مفهوم را در خود دارد. علم و قدرت الهی در قرآن، محوری‌ترین بخش توحید و الوهیت و ربوبیت الهی را تبیین می‌کند. به این معنا که این دو مفهوم، دربردارنده تفسیر دقیق معنای توحید است. بنابراین در ک معنای توحید با درک و فهم دقیق علم و قدرت آسان تر است.

تاکید ویژه قرآن بر علم و قدرت الهی به این معناست که خداوند به سبب علم و قدرت مطلق خود مالک همه ایدها علم به تمامی اعمال و اندیشه‌های است و هیچ چیزی بیرون از دایره علم و قدرت او قرار نمی‌گیرد؛ بنابراین جایی برای هیچ‌گونه شرکی باقی نمی‌ماند و این توحید محض است که در همه مراتب بهشت حضور دارد.

خداوند در آیات قرآن بارها با تکرار واژه علم و مشتقات آن و همچنین سمیع، بصیر، خبیر و مشتقات آنها بر این معنا تاکید دارد که خداوند آن چنان دانش منتهی است که هیچ نادیده و بیگرانی برخوردار است که هیچ چیز بیرون از دایره علم شهودی او نیست.

توجه به این تصور ذهنی از راه حس، عقل و تجربه به دستت می‌آید و علم شهودی و حضوری ادراک باطنی بی‌واسطه است مانند علم انسان به وجود خود، علم الهی همواره از قسم دوم است و هرگز علم حصولی و اکتسابی در خداوند معنا و مفهومی ندارد. این بدان معنا خواهد بود

در داستان همراهی موسی(ع) با خضر(ع)

نخستین سخن خضر(ع) این است:
کیف‌تصیر علی ما لک تطح به خیرا، چگونه بر چیزی صبر می‌کنی که اطلاعی نسبت به آن نداری؟(که؟)
آیه ۶۸ حضرت موسی(ع) در پاسخ می‌گوید که ان‌شالله صبر می‌کند؛ اما در آزمون‌های سه‌گانه نشنان می‌دهد که نمی‌تواند نسبت به اعمال بظاهر خلاف شریعت که عقل و نقل آن را تایید می‌کند، اعتراض نکند و صبر پیشه‌گیرد.(کهف، آیات ۶۹ تا ۸۲)

خدا در قرآن به این نکته به‌اشکال گوناگون توجه می‌دهد که میان صبر و علم و معرفت و آگاهی رابطه وجود دارد؛ از این رو درباره

## معارف Maarefkayhan@Kayhan.ir

## سنت الهی بر این قرار گرفته تا انسان در زندگی دنیوی همواره با انواع ابتلاات از شرور و خیرات مواجه شود که صبر در مصیبت‌هایی که شرور آمیز است بسیار سخت‌تر است؛ چرا که مصیبت‌هایی چون از دست دادن زن، فرزند، مال، مقام، منصب، امتیازات اجتماعی و مانند آنها انسان را به جزع و فرغ می‌افکند؛ اما مؤمنان با باور به اینکه همه اینها بر اساس مشیت حکیمانه و علم و قدرت الهی است که در نهایت این مصیبت‌ها به نفع شخص تمام می‌شود، بر آنها صبر می‌کنند و به پاداش عظیم رشد کمالی در دنیا و بهشت اخروی ناتل می‌شوند

خدا در قرآن به این نکته به‌اشکال گوناگون توجه می‌دهد که میان صبر و علم و معرفت و آگاهی رابطه وجود دارد؛ از این رو درباره



سومین نوع از صبرها که در قرآن به آن پرداخته شده، صبر در مصیبت و ابتلاات است؛ زیرا سنت الهی بر این قرار گرفته تا انسان در زندگی دنیوی همواره با انواع ابتلاات از شرور و خیرات مواجه شود که صبر در مصیبت‌هایی که شرورآمیز است بسیار سخت‌تر است؛ چرا که مصیبت‌هایی چون از دست دادن زن، فرزند، مال، مقام، منصب، امتیازات اجتماعی و مانند آنها انسان را به جزع و فرغ می‌افکند؛ اما مؤمنان با باور به اینکه همه اینها بر اساس مشیت حکیمانه و علم و قدرت الهی است که نهایت این مصیبت‌ها به نفع شخص تمام می‌شود، بر آنها صبر می‌کنند و به پاداش عظیم رشد کمالی در دنیا و بهشت اخروی ناتل می‌شوند.(بقره، آیات ۱۵۵ تا ۱۵۷)

# صبر پیامبر (ص)

منصور حسینی

# الگوی مؤمنان

**نسبت صبر با علم و معرفت**
از نظر آموزه‌های قرآن، صبر کردن زمانی تحقق می‌یابد که شخص علم هرچند اجمالی نسبت به آن موضوع، یا صبرهای سه‌گانه داشته باشد؛ البته اگر علم تفصیلی نسبت به هر یک از این امور داشته و از آثار و برکت آن آگاه باشد، صبر کردن بسیار آسان تر می‌شود. کسی که هیچ علم و قدرتی نسبت به موضوع نداشته باشد، نمی‌تواند صبر کند، به ویژه اگر این موضوعات به گونه‌ای باشد که بر خلاف اعتقاد و باورهای شخص باشد و کراهت شدیدی نسبت به آنها داشته باشد؛ اصولا انسان زمانی نسبت به چیزی در زندگی اعتراض می‌کند که نسبت به آن شناختی ندارد یا به طور فطری از آن در مصیبت‌ها به این نکته توجه می‌دهد

که صابرین کسانی هستند که مالکیت خدا را می‌دانند و او را علیم و قدیر دانسته و مشیت و کارهایش را بر اساس حکمت می‌دانند. لذا صبر در مصیبت‌ها به این‌سان نسبت می‌دهد که هنگام

فکارت رفتارش سرمشق قرار گیرد. شناخت و آگاهی از صبرهای پیامبر(ص) می‌تواند به دیگران خواهد بود برخی حقایق کوتاه بیاید تا آنان را به سوی حق جذب کند.ام‌اقرآن دستور می‌دهد که هر گونه گرایش به سوی کفران و مخالفتی که در

و نخواهد بود. بنابراین، هر چیزی را که انسان به آن گرفتار می‌آید، بر اساس علم و اراده و قدرت اوست.(بقره، آیه ۱۴۴ و عنکبوت، آیات ۳ و ۱۰)
پس خداوند با انجام آزمایش، نوعی علم فعلی او بدین‌جهت می‌آورد که در بازخواست‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد تا سیه رو شود هر که در او جهان‌بینی که در سبایه این تصویر روشن قرآن از خدا و علم و قدرت او ایجاد می‌شود، می‌تواند نقش اساسی در زندگی بشر ایفا کند؛ چرا که از این وفاق‌ها معلوم می‌شود که انسان‌ها به‌ایجاد می‌شود که شامل اصول اخلاقی در شکل بادهای اخلاقی، احکام عقلمانی و قوانین شرعی را از اهداف بیان احکام شرعی به انسان‌ها معرفی می‌کند.(مائده، آیه ۹۷)

از نگاه قرآن علم خداوند همه‌جانبه است و همه احوال ظاهر و باطن هر چیزی را دربر می‌گیرد.(بقره، آیه ۲۸۳ و ۲۸۴ و غافر، آیات ۱۶ تا ۱۹) و تفاوتی

به این معنا که هست‌ها و گزاره‌های خبری اقتضائاتی دارد که در شکل بایدها و گزاره‌های انشایی خود را نشنان می‌دهد؛ و از میان این جهان‌بینی، نظام اخلاقی و حقوقی و بایدهایی بیرون می‌آید که آدمی را ملزم به انجام آن می‌کند. تاکید قرآن بر علم و قدرت مطلق الهی از آن روست تا آدمی موقعیت خود را نسبت به خود و خدا و اعمال و کردار و اندیشه‌های خود بداند و ارزیابی دقیق و درستی داشته باشد.

از آیات ۲۸۳ تا ۲۸۴ سوره بقره و آیات ۹۴ و ۱۰۵ سوره توبه این معنا به دست می‌آید که باور آدمی به علم خدا در اشکار و نهان و به همه امور غیبی و شهودی، ضامن اصلی مسئولیت‌پذیری انسان در قبال اندیشه‌ها و اعمال و مسئله معاد و حسابرسی در قیامت و پاداش و کیفر در دنیا و آخرت است.

تاکید بر اموری چون گستردگی علم خدا به همه نهان‌ها و غیبیه‌ها (مائده، آیات ۱۰۹ و ۱۱۶ و سبأ، آیه ۴۸) و توجه‌بخشی به اینکه ربوبیت الهی مقتضی داشتن علم غیب و احاطه بر همه موجودات است (سبأ، آیه ۳) از آن روست که آدمی بداند که علم الهی حضوری و شهودی و کامل بوده و در مسئله زندگی انسان‌ها تاثیر شگرف و مستقیمی دارد، چیزی که مقتضای ربوبیت و پروردگاری آن است که بر اساس اندیشه و کردار آدمی او برخورد شود؛ اندیشه و عمل او در چگونگی برخورد خداوند با او تاثیر مستقیم و اساسی دارد. علم خداوند به هر کسی تاثیر مستقیم و اساسی دارد. جمله آنها یعنی توان به علم خداوند به چیزها پیش از تحقق آنها در علم ازل(یقره، آیه ۳۰ و نساء، آیات ۱۱۲ و ۱۴۸ و ۱۷۰) اشاره کرده، که از آن به علم ازل(ی قبل از ایجاد اشیا یاد می‌شود.

در آموزه‌های قرآنی ویژگی‌های دیگری برای علم الهی گفته شده است که بیان همه آنها در این‌جا بیرون از حوصله و نیاز است و تنها به ویژگی‌هایی توجه نموده می‌شود که مرتبط با مستدیر کرده و هیچ بخشی از زندگی بشر بیرون از دیدگاه علم و معرفت و خواست و مشیت و اراده

### معارف

Maarefkayhan@Kayhan.ir

اتش را خریدارد باطل است؛ بنابراین، پیامبر(ص) و مؤمنان باید بر اصول اساسی خویش باشند و از آن کوتاه نیایند. اگر انسان، بر سر حق صبر کند و پایبند اصول باشد، در حقیقت به حسنات عمل کرده و این‌گونه جزو محسنین قرار می‌گیرد و خدا اعمال محسان را ضایع نمی‌کند. پس صبر در برابر مخالفتن و اطاعت از احکام الهی از مصادیق احسان است که سیئات را از میان می‌برد.(هود، آیات ۱۱۲ تا ۱۱۵)

از نگاه قرآن، اقامه نماز یک واجب دینی و جزو شستن‌الهی است که صف مسلمان را از کافر جدا می‌کند. در حقیقت عمل مطابق احکام شریعت که عقل فطری و نقل و وحیانی آن را کشف می‌کند، چیزی جز عمل به معروف و امور پسندیده نیست؛ بنابراین کسی که نماز را اقامه می‌کند، عامل به معروف و أمر به آن است. البته این عمل سختی‌هایی دارد ولی باید به آن تن داد. در این موارد به ویژه در ساحت امر به معروف و نهی از منکر چون با مخالفت دیگران مواجه خواهد شد باید آستانه تحمل خویش را بالا برد. لذا اگر در شرایط تبلیغ و عمل به شریعت و أمر به معروف نهی از منکر با مخالفت‌هایی مواجه شد باید بر سختی‌های این عرصه صبر کند.(لقمان، آیه ۱۷)
صبر بر ادیت و آزار دیگران در ساحت امر به معروف و نهی از منکر و عمل مطابق شریعت خصوصا نماز و اقامه آن، از مصادیق «عزم الامور»(کارهای مهم) است؛ کسی که بخواهد به مقام اولوالعزم برسد باید در این امور صبر پیشه کند.(لقمان، آیه ۱۷)

خدا به پیامبرش این بشارت را می‌دهد که همه اعمال او را زیر نظر دارد. پس باید بر اساس حکم الهی عمل کرد و بر انجام تکلیف و اطاعت از آن صبر کند؛ هرچند این حکم، بظاهر خوشایند نباشد. در این راه باید از نماز و تسبیح گویی بهره گیرد تا آستانه تحملش با نماز و ذکر الهی افزایش یابد.(طور، آیات ۴۸ و ۴۹)

پس اگر پیامبر(ص) در امر تبلیغ و ابلاغ احکام

خدا با استخفاف درشت و تند و بی‌ادبی مواجه می‌شود، می‌بایست صبر پیشه کند و اگر بخواهد انسان را از حریم خویش دور نگه دارد و بتواند به شکل منین تبلیغ کند و ادبیت و آزارها را کاهش دهد، باید براساس دستور «هرچهم هجرا جمیلا» با شیوه‌ای پسندیده مخالفتن را از خود دور کند تا بتواند مبلغ خوبی باشد.(مزمّل، آیه ۱۰) البته خدا خود تم به داند با اهل تکذیب چگونه معامله کند و آنان را پس از مهلتی اندک به درک واصل نماید.(مزمّل، آیات ۱۰ تا ۱۲)

مؤمنان نیز باید در رفتار فردی و اجتماعی باید صبر را پیشه خود سازند تا بتوانند به تقوایی برسند که ایشان را رستگار می‌کند(آل عمران، ۲۰۰) اطاعت از پیامبر(ص) در این امور و پرهیز برساند، بلکه باید تنها ابلاغ و تبلیغ کند و این خدا است که هر که را خواهد هدایت می‌کند. البته پیامبر(ص) در امر تبلیغ می‌بایست تبع و وحی باشد و نسبت به متکران شکیبا باشد تا حکم الهی در هدایت یا مرگ آنان برساند؛ زیرا این خدای خیرالحاکمین است که حکم را به بهترین وجه می‌دهد که هدایت یا مرگ مخالفان و دشمنان

است.(یونس، آیات ۱۰۸ و ۱۰۹)

البته ممکن است که انسان برای هدایت دیگران بخواهد در برخی حقایق کوتاه بیاید تا آنان را به سوی حق جذب کند.ام‌اقرآن دستور می‌دهد که هر گونه گرایش به سوی کفران و مخالفتی که در

**تاکید قرآن بر علم و قدرت مطلق الهی از آن روست تا آدمی موقعیت خود را نسبت به خود و خدا و اعمال و کردار و اندیشه‌های خود بداند و ارزیابی دقیق و درستی داشته باشد. از آیات ۲۸۳ تا ۲۸۴ سوره بقره و آیات ۹۴ و ۱۰۵ سوره توبه این معنا به دست می‌آید که باور آدمی به علم خدا در اشکار و نهان و به همه امور غیبی و شهودی ضامن اصلی مسئولیت‌پذیری او در قبال اندیشه‌ها و اعمال و مسئله معاد و حسابرسی در قیامت و پاداش و کیفر در دنیا و آخرت است.**

۱۸۰ و (۱۸۱)، گناه و عصیان نسبت به قوانین و مقررات (نساء، آیات ۱۰۷ و ۱۰۸) و عدم حضور در جنگ و جهاد (آل عمران، آیه ۱۵۲) و پیروی از هواهای نفسانی و اطاعت شیطان (نساء، آیه ۱۲۵) خودداری کنند، چرا که می‌داند خداوند به سبب این تهمت بی تحقیق وی و یا دیگر رفتارهای نادرست

از آن‌جا که خداوند به انسان و اندیشه‌ها و رفتارهایش علم شهودی و حضوری دارد، می‌داند که توهنجایی انسان به علم الهی موجب می‌شود تا در زندگی خود هرگز به سوی بخل گرایش نیابد، چرا که زمانی انسان به بخل دچار می‌شود که از آینده خویش هراسان باشد و از تأمین امنیت آسایش و آرامش خود احساس نگرانی و ترس کند. اما اگر انسان به این آگاه باشد که همه چیز را خداوند می‌داند و مدیریت می‌کند و چیزی بیرون از مشیت و اراده او است و اگر گشایش و عدالت گسترش شریعت است در چارچوب علم و مشیت و رعایت عدالت (نساء، آیه ۱۲۷)، صبر و شکیبایی بر مشکلات و سختی‌های زندگی (یوسف، آیه ۸۲)، حفظ عفت و حیا و حجاب(نورا، آیه ۳۰) قیام خالصانه برای خدا(مائده، آیه ۸)، وقایع و عهد پیمان(مائده، آیه ۷ و توبه، آیات ۷۷ و ۷۸)، توکل

به خدا(اعراف، آیات ۸۹ و ۹۰) و توبه، آیات ۷۷ و ۷۸)، توکل به علم الهی به همه امور هستنی چگونه اندیشه‌ها و رفتارهای آدمی را تحت تاثیر قرار می‌دهد و او را به سوی کارهای خوب و زندگی امیدوارانه و پرهیز از زشتی‌ها و پلیدی‌ها سوق می‌دهد. بنابراین یکی از آموزه‌های تربیتی باید ایجاد شناخت و باور نسبت به علم الهی باشد، چرا که این شناخت و باور می‌تواند زندگی هر انسانی را دگرگون کند و بیش و نگرش او را نسبت به خود و زندگی‌اش تغییر دهد و بسیاری از مشکلات چون ناپدید آفریدگی، تنگدستی، فقر و مصیبت‌ها را رفع کند(سوره، آیه ۱۱۲) مانند آن اشاره داده می‌شود. اما او را به سوی خدا و توکل و توسل به او یکشانند. (۱۹) نیز بدگویی حتی نسبت به ظالمان بیرون از چارچوب قانونی و شرعی (نساء، آیه ۱۴۸) و تصرفات باطل و نادرست در وصیت (بقره، آیه و

صفحه ۷
یکشنبه ۱۹ شهریور ۱۴۰۲
۲۴ صفر ۱۴۴۵ – شماره ۳۳۳۹۲



## چراغ راه

## عمل به قرآن و یا ترک آن

### شاخص بهشتی و جهنمی بودن

**قال الامام علی(ع):** «هن حمله امامه، قاده الی الجنه و من حمله خلفه، ساقه الی النار.»

امام علی(ع) می‌فرماید: هر کس قرآن را در پیش روی خود قرار دهد (رهمنی عمل او بود)، جلودار او به سوی بهشت خواهد بود، و هر کس آن را به پشت سرافکند (عمل به قرآن را ترک کرد)، کشنده او به سوی دوزخ خواهد بود.»

۱- بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۱۷

## حکایت خوبان

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸

## دربای بی‌کران معرفت

امام علی(ع) می‌فرماید: خدای سبحان کتابی آسمانی بر پیامبر اکرم(ص) فرو فرستاد و آن، نوری است که خاموشی ندارد، و چراغی است که روشنایی آن زوال ناپذیر است و دریایی ژرف است که فقر آن به چنگ ادراک آدمی (بشر عادل) نمی‌افتد، و راهی است که در آن گمراهی نیست، و شعاعی است که روشنی آن تیرگی نگیرد... خداوند آن را فرونشاندند تشنگی علمی دانشمندان و خرمی لدل‌های فقیهان، و راه روشن سالکان صالح قرار داد. قرآن کریم درویدی است که پس از آن بیماری نمی‌ماند و نوری است که هیچ‌گونه تیرگی در آن نیست، و رسمانی است که دستگیره آن مطمئن و پناهگاهی است که قله بلند آن مانع دشمن است.»<sup>()</sup>

۱- نهج البلاغه- خطبه ۱۹۸

## پرسش و پاسخ

۱- تلاوت قرآن همراه با تفکر و تدبر

۲- تحول باطن انسان به حقیقت قرآنی

۳- اصلاح و تزکیه نفس

۴- وصول به حب محبوب

۵- امید به استماع کلام بهشتی

۶- تربوین قلب و حیات باطنی

۷- تربیت مقام متقین از جمله آثار قرانت قرآن می‌تواند باشد، چرا که قرآن برای چنین مقامی هدایتی خاص دارد. امام راحل می‌فرماید: «کسی که تفکر و تدبر در معانی قرآن کرد، در قلب آن اثر کند و در مقام متقین رسد و اگر توفیق الهی شامل حالش شود، از آن مقام نیز بگذرد و هر یک از اعضا و جوارح و قوای آن، ایهای از آیات الهیه شود.(همان)

۸- امید به استماع کلام بهشتی

۹- تربیت مقام متقین از جمله آثار قرانت قرآن می‌تواند باشد، چرا که قرآن برای چنین مقامی هدایتی خاص دارد. امام راحل می‌فرماید: «کسی که تفکر و تدبر در معانی قرآن کرد، در قلب آن اثر کند و در مقام متقین رسد و اگر توفیق الهی شامل حالش شود، از آن مقام نیز بگذرد و هر یک از اعضا و جوارح و قوای آن، ایهای از آیات الهیه شود.(همان)

۱۰- امید به استماع کلام بهشتی

۱۱- تربوین قلب و حیات باطنی

۱۲- تربیت مقام متقین از جمله آثار قرانت قرآن می‌تواند باشد، چرا که قرآن برای چنین مقامی هدایتی خاص دارد. امام راحل می‌فرماید: «کسی که تفکر و تدبر در معانی قرآن کرد، در قلب آن اثر کند و در مقام متقین رسد و اگر توفیق الهی شامل حالش شود، از آن مقام نیز بگذرد و هر یک از اعضا و جوارح و قوای آن، ایهای از آیات الهیه شود.(همان)

۱۳- امید به استماع کلام بهشتی

۱۴- تربوین قلب و حیات باطنی

۱۵- اصلاح و تزکیه نفس

۱۶- وصول به حب محبوب

۱۷- امید به استماع کلام بهشتی

۱۸- تربیت مقام متقین از جمله آثار قرانت قرآن می‌تواند باشد، چرا که قرآن برای چنین مقامی هدایتی خاص دارد. امام راحل می‌فرماید: «کسی که تفکر و تدبر در معانی قرآن کرد، در قلب آن اثر کند و در مقام متقین رسد و اگر توفیق الهی شامل حالش شود، از آن مقام نیز بگذرد و هر یک از اعضا و جوارح و قوای آن، ایهای از آیات الهیه شود.(همان)

۱۹- امید به استماع کلام بهشتی

۲۰- تربوین قلب و حیات باطنی

۲۱- تربیت مقام متقین از جمله آثار قرانت قرآن می‌تواند باشد، چرا که قرآن برای چنین مقامی هدایتی خاص دارد. امام راحل می‌فرماید: «کسی که تفکر و تدبر در معانی قرآن کرد، در قلب آن اثر کند و در مقام متقین رسد و اگر توفیق الهی شامل حالش شود، از آن مقام نیز بگذرد و هر یک از اعضا و جوارح و قوای آن، ایهای از آیات الهیه شود.(همان)

۲۲- امید به استماع کلام بهشتی

۲۳- تربوین قلب و حیات باطنی

۲۴- اصلاح و تزکیه نفس

۲۵- وصول به حب محبوب

۲۶- تربیت مقام متقین از جمله آثار قرانت قرآن می‌تواند باشد، چرا که قرآن برای چنین مقامی هدایتی خاص دارد. امام راحل می‌فرماید: «کسی که تفکر و تدبر در معانی قرآن کرد، در قلب آن اثر کند و در مقام متقین رسد و اگر توفیق الهی شامل حالش شود، از آن مقام نیز بگذرد و هر یک از اعضا و جوارح و قوای آن، ایهای از آیات الهیه شود.(همان)

۲۷- امید به استماع کلام بهشتی

۲۸- تربوین قلب و حیات باطنی

۲۹- اصلاح و تزکیه نفس

۳۰- وصول به حب محبوب

۳۱- امید به استماع کلام بهشتی

۳۲- تربوین قلب و حیات باطنی

۳۳- اصلاح و تزکیه نفس

۳۴- وصول به حب محبوب

۳۵- امید به استماع کلام بهشتی

۳۶- تربوین قلب و حیات باطنی

۳۷- اصلاح و تزکیه نفس

۳۸- وصول به حب محبوب

۳۹- امید به استماع کلام بهشتی

۴۰- تربوین قلب و حیات باطنی

۴۱- اصلاح و تزکیه نفس

۴۲- وصول به حب محبوب

۴۳- امید به استماع کلام بهشتی

۴۴- تربوین قلب و حیات باطنی

۴۵- اصلاح و تزکیه نفس

۴۶- وصول به حب محبوب

۴۷- امید به استماع کلام بهشتی

۴۸- تربوین قلب و حیات باطنی

۴۹- اصلاح و تزکیه نفس

۵۰- وصول به حب محبوب

۵۱- امید به استماع کلام بهشتی

۵۲- تربوین قلب و حیات باطنی

۵۳- اصلاح و تزکیه نفس

۵۴- وصول به حب محبوب

۵۵- امید به استماع کلام بهشتی

۵۶- تربوین قلب و حیات باطنی

۵۷- اصلاح و تزکیه نفس

۵۸- وصول به حب محبوب

۵۹- امید به استماع کلام بهشتی

۶۰- تربوین قلب و حیات باطنی

۶۱- اصلاح و تزکیه نفس

۶۲- وصول به حب محبوب

۶۳- امید به استماع کلام بهشتی

۶۴- تربوین قلب و حیات باطنی

۶۵- اصلاح و تزکیه نفس

۶۶- وصول به حب محبوب

۶۷- امید به استماع کلام بهشتی

۶۸- تربوین قلب و حیات باطنی

۶۹- اصلاح و تزکیه نفس